



۲۰۱۹/۰۷/۰۹



دوکتور محمد اکبر یوسفی

باز هم در باره حقوق زن!

خبر های حاصله از جریان "صحبت های افراد فاقد صلاحیت" در "دوهه"، در تحت نام "سیاسیون" و "طالبان" که همه را در حقیقت "غیر رسمی" می دانند، نه تنها تعجب آور است، بلکه سؤال اینجاست که چنین پروژه ها را، کی طرح می کند و هم اینکه ازینگونه تماس ها، چه حاصل خواهد شد؟ این همه مصارف را کی ها می پردازند و لیست "مدعوین" دو طرف را هم، چه مراجع، و از طریق کدام مراکز "راجستری" تهیه کرده اند؟ پس از این همه دیدارهای "گروه طالبان"، با "هیأت نمایندگی" ایالات متحده آمریکا، تا بحال درک ننموده اند، که ما در چه دنیائی زندگی می کنیم. حال حتی به آن اندازه، پا از گلیم فراتر گذاشته اند، که نه تنها در رابطه با "حقوق زن" مداخله می کنند، بلکه چلو صاف عدم درک درست آنها، نیز از آب بیرون می آید. به اصطلاح معمول پا از گلیم و از ساحة قدرت و صلاحیت آنها خیلی زیاد دراز کرده اند. برای خواهران، مادران و همسران افغان ها، بعرض می رسد، که زنان شریف و با عزت وطن، مردان این کشور شما را از بدنه اجتماع جدا نمی بینند. شما مادران و خواهران، در بحران چهل سال از غم و اندوه فراوان و از فغان و ناله هر یک واقف هستید، درین وطن برای آزادی، حفظ شرف و عزت شما مردم شریف، زیاد قربانی داده شده است، حال هم پدران، برادران، و همسران شما را تنها نمی گذارند، با این حرف های بی معنای آنها، ارزش ندهید. مبارزه ادامه می یابد. آنها از زاویه دید تنگ و خندآور در باره نیمی از بدن جامعه می نگرند. انسان هائی که در باره گرفتن حق زندگی از انسان، اگر مرد است و یا زن، آنقدر بی باک باشند، لیاقت و ارزش صحبت را داشته نمی توانند. جنبش "آزادی" و حصول "تساوی حقوق" زنان با "مردان" در هر جامعه، به دستاورد های بزرگی نایل آمده است. آن دوران وحشت و ظلم و استبداد، جوامع "پدرسالاری" را به اصطلاح عام، "گاو" (گاب) خورده است. زن ها نیم بدن هر جامعه انسانی را تشکیل می دهد. این قسمت بدن جامعه در تاریخ نشان داده است، که بدون نقش زن، حتی تشکل آنچه که ما بنام "خانواده" و "فامیل" یاد می کنیم، تصور شده نمی توانست. مسئله تنها تکثر نیست. در تربیت خانوادگی، زن ها نقش اساسی ایفاء می کنند. زن ها سمبول صلح اند. این چنین تشکل که بمثابة واحد اولیه شناخته شده است، اساس اجتماعات بزرگتر را تشکیل می دهد. درین اجتماع کلتوری و عنعنوی ما، بدون درایت و شرافت و معصومیت زن در خانواده، تربیت و آداب خاص، در حیات کلتوری و عنعنوی نیزمتصور بوده نمی تواند. جامعه ما امروز نیازمند آن نیست که چنین افراد بی هویت و بی دانش و یا افراد و گروه های سیاسی و مذهبی فتنه با اهداف خاص مرموز آنها در خدمت بیگانگان، برای جامعه ما و هم برای بشریت توضیح دهند که این نیمی از بدن اجتماع، دارای چه کرامت و عزت انسانی و حقوق باید باشد. اینها مدعی می شوند

که گویا این افراد حق زندگی را مقدر می سازند. جالب تر از همه اینست که سرحدات حقوقی و سرنوشت زندگی این بخش جامعه را این افراد "کالا سفید" خود ترسیم می کنند. "سفیدی کالای" آنها با افکار آنها، رابطه روشن نشان نمی دهد. حال در دنیای امروزی، مناسبات اجتماعی، حقوق و نقش انسان را در مناسبات کنونی اجتماعی بر اساس "جنس"، "رنگ جلد" و "ریشه نژادی" تعیین نمی کند، بلکه حال توانائی علمی، حرفوی و استعداد و تلاش در کار و زحمت و خدمت به انسان و انسانیت است.

چنین بنظر می رسد که این "سفید پوشان" که ممکن خود آنان را در نقش "ملائک" فکر کنند، در باره دنیای امروزی ما، معلومات ناقص و غیر علمی در کله دارند. حال معلومات سائر مردم دنیا که بر علم و تخنیک تسلط یافته اند به آن سطح نیست، که "زمین" را ساکن و هموار و بر سر شاخ گاو و گاو را هم بر پشت ماهی و ماهی را هم در آب، فکر کنند. این افراد که خود آنان را صاحب این "وطن" می دانند و درین لحظه با یک "قدرت اشغالی" بزرگ در مذاکره نشسته اند، فقط "ادعا" دارند، که "خارجی ها، خارج" شوند. جانب مقابل هم از آنها تضمین می خواهند که در آینده چنان اعمالی که "تروریزم" تحت حفاظت آنها، علیه آن کشور و متحدان آن انجام داده اند، باز تکرار نشود. آیا افرادی که نسبت به دنیای ما صاحب همچو افکار افراطی ضد بشری اند، صاحب اعتبار سپردن چنین "تضمین" هستند؟ چنین یک بار، بر شانه این خاک و مردمی سنگینی می کند، که در دره ها و کوه های این قلمرو، با شیوه های تولیدی هزاران سال قبل، مصروف کشت و زراعت اند و یا در شهر ها مشغول کسب و کار دیرینه اند و زندگی بخور و نمیر، تدارک می بینند.

فردا اگر اینها، باز زمام امور را در دست گیرند و اراده عموم مردم در آن نقش نداشته باشد، و همچو حلقات افراطی باز با همان شیوه، خطراتی را برای همان کشور های جهان از سر گیرند، عکس العمل قدرت های بزرگ با هم، از سر گرفتن "بمباران ها" برین قلمرو و مردم آن خواهد بود. تلفات جانی و مالی را این وطن و مردم عام آن، نا خواسته و بدون گناه متحمل می شوند.

به یکی از عناوین این "خبر" توجه کنید: "طالبان: دختران تا درجه دکترا تحصیل کنند، اما در صنف درسی جداگانه". سؤال اینجاست، که تا به حال این "سفید پوشان" با طرف "مذاکره"، یعنی با "ایالات متحده امریکا" و متحدان به نتیجه نهائی نرسیده اند. همه منتظر اند که این قدرت "بزرگ"، و متحدان آن با آن، چه نتیجه حاصل خواهند نمود. موضوع اینکه بعداً با سرنوشت این مردم، چه بازی پیاده خواهد شد، مرحله کاملاً جداگانه است. این افراد "فاقد صلاحیت" در "دوهه" نمی توانند با این سبک سری، در باره آینده مردم ما و بخصوص در باره مادران، خواهران، دختران و همسران زندگی اجتماعی ما، تصمیم بگیرند. اگر "سفید پوشان بی تذکره" برین سرزمین حاکم شوند، هر چه بخواهند انجام می دهند، بناءً، به اعلان قبلی مسائل، نیازمندی احساس نمی گردد.

نظرات بیولوژیکی غیر علمی و بدون ثبوت را که فاشیست ها برای تبعیض نژادی از آن کار می گرفتند، همه باطل ثابت گردیده است. آن توضیحات مزخرف را که در باره ترکیب جسمی جنس زن، نشخوار می کنند، دیگر خجالت آور است. مردم باید آینده زندگی اجتماعی را در فضای "صلح"، "دیموکراسی" تعیین کنند. وظیفه خود آنهاست تا مناسباتی برقرار کنند که در آن هر کس، اگر زن است و اگر مرد، فرصت آنرا داشته باشند، تا طبق استعداد و خواست خود، به رشد و تقویت فهم و دانش خود بدون مانع و بدون ترس و وا همه، بپردازد. هر یک، خود با دستاورد

علمی و فنی، بر غنای محتوای حیاتی خود، بیفزاید. توصیه به افراطیون، که بجای چسبیدن به تصوراتی که "زن" از سمت "چپ" بطن مادر و "مرد" از سمت "راست" است و غیره و غیره، و از آن ادعاهای پوچ و بی معنی غیر علمی را تبلیغ می کنند، به آموزش علم و تخنیک بپردازند. اگر انسان در آینده دیرتر امکان زندگی بیشتر در "کره زمین" داشت، همه امور سنگین جسمی را بکمک "رُباط" و کنترل آنهم، توسط کمپیوتر انجام خواهد یافت. همین اکنون در جهان پیشرفته، ملیون ها انسان از طریق "کمپیوتر" و "انترنت" به تحصیل علم می پردازند، بدون اینکه در صنف درسی حضور یابند و این "کالا سفیدان بی تذکره" در فکر "جدائی صنف تدریس" زن و مرد اند. در زمانی که "بحران" افغانستان آغاز یافته است (در آنزمان چهل سال قبل، نفوس ۱۲ تا ۱۸ میلیون)، حدود شش تا هفت میلیون اتباع کشور ما در سراسر دنیا آواره شده اند و اطفال آنان با کلتور و فرهنگ های بی شمار آشنا شده اند. مردم ما که ۹۸ فیصد پیرو دین مقدس اسلام اند، خود می دانند که از دین خود چگونه پیروی کنند.

پایان



هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نیشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده معزز را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

باز هم در باره حقوق زن!

[Yusufi_akbar_۶۴_baz_ham_dar_barai_huquk_zan.pdf](#)